

جبهه کفر و نفاق و مصادیق عینی آن در جامعه

غیرخداها و وظیفه‌ای ندارند الا اینکه خدای یکتا را عبادت کنند. و همچنین میفرماید «سبحان الله عما یشرکون» «خدا منزّه است از اینکه اینها برای او شریکی قائل شوند».

در آیه دیگر قرآن به پیغمبر میفرماید «قل انما امرت ان اعبدالله ولا اشرك به» (۳۶- رعد) «بگو من مأمورم که خدا را عبادت کنم و به او شرک نوزم».

در حدیثی آمده است که خداوند به یکی از انبیاء بنی اسرائیل میگوید «به مردم بگو اگر کاری را انجام دادید که نیمی برای من و نیمی برای دیگری بود، چون من شریک دوست ندارم پس سهم من هم برای دیگری‌ای که در نظر داشتید! بنابراین چیزی از من طلب ندارید».

* منافقین چه کسانی هستند؟

ج - نفاق در لغت به معنای شکاف و از نظر اجتماعی و اصطلاحی بمعنی دورونی و دو چهره بودن است. منافقین کسانی هستند که در ظاهر ایمان می‌آورند ولی در باطن کافر هستند و مؤمن به آنچه که می‌گویند نیستند. قرآن در این رابطه میفرماید «و من الناس من یقول انا لله و بالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین» (بقره - ۸) «و از مردم کسانی هستند که می‌گویند بخدا و روز قیامت ایمان آورده‌ایم حال آنکه مؤمن نیستند». و در آیه بعد میفرماید «یخادعون الله والذین امنوا و ما یخدعون الا انفسهم» «آنها بگمان خود خدا و مؤمنین را فریب میدهند و حال آنکه جز خودشان کسی را فریب نمیدهند».

منافقین وقتی به مؤمنین میرسند می‌گویند، ما مؤمن و مسلمان هستیم و حال اینکه در خلوت و دیدار با شیاطین خود می‌گویند ما میخواهیم مؤمنین را مسخره کنیم.

در سوره منافقون نیز خداوند ماهیت این گروه را آشکارتر میکند و میفرماید «اتخذوا ایمانهم جنه فصدوا عن سبیل الله» «اینها سوگند خوردن و تهدیدشان را سپر قرار میدهند و جلوی راه خدا را میگیرند».

و در دنباله این آیه چنین آمده است «ذالک بانهم امنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم

جهاد

کسانی که از ابتدا خدا و مبداء را انکار کرده و به ماده و طبیعت و جریانات فیزیکی معتقد بودند و گروه دیگر کسانی که بخدا ایمان آوردند ولی بعد آنرا از دست داده و خدا را منکر شدند، که به این قبیل افراد «مرتد» می‌گویند. البته قرآن این افراد را هم کافر میدانند و در سوره های دیگر نیز بخوبی به این مسائل اشاره کرده است. در این رابطه قرآن میفرماید «ومن یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم» (سوره بقره آیه ۲۱۷) «...».

بهترین مشخصه برای چهار گروه فوق آیات اول سوره بقره است که بخوبی مسئله را بررسی کرده است.

در این آیات ضمن بحث درباره کفار میفرماید «ان الذین کفروا سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون ختم الله علی قلوبهم...» (بقره ۷-)

کفار کسانی هستند که از اول ایمان نی‌آوردند و خداوند بر قلبهایشان پرده‌ای کشیده است که دعوتشان بکنی و یا بترسانی و یا ترسانی برایشان یکسان است و ایمان نمی‌آورند.

مؤمنین کسانی هستند که اهل نمازند، و در نمازشان حالت خضوع دارند، از یاهو گونی احتراز دارند، زکات میدهند، عفت خود را حفظ میکنند، به پیمانشان وفادارند و وقت نمازهایشان را رعایت میکنند.

* مشرکین چه کسانی هستند؟

ج - بر اساس آیات قرآن شخص مشرک، بخدا و مبداء و قدرتی معتقد است اما این قدرت را برای غیرالله نیز قائل است شرک یعنی شریک قائل شدن برای الله در ابعاد و اقسام مختلف. مثلا در عبادت، اطاعت... و یا اینکه شخص روزیش را از غیر خدا بخواد و یا در مقابل غیرخدا کرنش کند.

خداوند در قرآن میفرماید کسانی که غیر خدا را با خدا شریک میدانند و یا مسیح را خدا میدانند مشرک هستند. و تاکید میکند که همه

شناخت تاریخ و سنت های خدائی مسلط بران رهنمودی برای انسان است که بتواند کاملا پدیده‌های موجود در زمان خودش را ارزیابی دقیق الهی بنماید و در نتیجه این ارزیابی راه خود را بسوی کمال و تعالی همواره نماید.

بررسی تاریخ اسلام و بطور کلی تاریخ انبیاء به ما نشان میدهد که همیشه نیروهای باطل و ضدتکاملی رودرروی انبیاء و رسولان ایستاده‌اند و هر بار با شکل جدیدی، نقشه های خود را بر علیه جبهه حق بکار می گرفته‌اند و ترندهای مختلفی برای منزوی کردن حق بکار بسته‌اند، و این گروه باطل معمولا در سه چهره خود را نشان میدهد کفار، مشرکین و منافقین که در بین آنها بزرگترین ضربه هارا منافقین برجبه حق زده‌اند چراکه جبهه‌ای باطل در پوشش حق است به همین دلیل، همیشه برجبه حق است که خصیصه های موجود در این گروه و معیار و ملاک تشخیص آنها را پیدا کرده تا بتواند بر علیه آن بکارگیرد و این شناخت، مورد لزوم تمام کسانی است که بنحوی می خواهند بر علیه باطل مبارزه نمایند. و به علت مبارزه‌ای که امت اسلامی مادر مبارزه با امپریالیسم آمریکا که جبهه اصلی باطل است، دارد می‌بایستی بر این معیارها آگاه شود.

لذا برای شناخت معیار و ملاک تشخیص این گروه ها بطور اعم و همین شناسایی مصادقهای عینی آن در جامعه و عملکرد های آنها بطور اخص، بران شدیم که با حجت الاسلام ناطق نوری نماینده امام در جهاد سازندگی گفتگویی تربیت دهیم.

* کفار چه کسانی هستند و تعریف قرآنی کفر چیست؟

ج - کفر یک معنای اخص و یک معنای اعم دارد. آنچه که در قرآن هست معنای اخص کفر را که انکار مبداء و معاد میباشد بیان میکند و اما قرآن بیشتر توجه به انکار مبداء دارد.

و معنای اعم کفر که توسط فقها در رساله های عملیه آورده شده، به انکار مبداء و معاد نظر دارد و علاوه بر آن کسانی که خاتمست رسول الله را نیز قائل نیستند کافر میباشند. ضمنا در قرآن کافر بدو صورت مطرح شده است، یک گروه

«لا یفقهون» خداوند قلبهای آنها را بدلیل این جنایت و حرکت ارتجاعی بازگشت به کفرشان طوری قرار میدهد که چیزی را متوجه نمیشوند. بطور کلی قرآن چنین تشریح میکند که ای پیغمبر منافقین طوری هستند که وقتی آنها را ببینی از چهره و قیافه حق بجانبشان تعجب خواهی کرد. زمانی که صحبت میکنند به سخن آنها دل میدهی. اما اینها در واقع چون چوبهای خشکی هستند که بر آنها تکیه شده و اینچنین خود را نشان میدهند. قرآن بعد از این راهنماییها میفرماید اینها دشمن هستند. از اینها فاصله بگیر که خدا نابودشان کند.

*** مومنین را تعریف و خصوصیات آنها را ذکر بفرمائید**
ج - در این رابطه در قرآن علاوه بر سوره

*** حرکت از کفر و نفاق به ایمان دارای علل مختلف است از جمله افرادی که بخاطر قهرمان دوستی و تبلیغات، جذب گروهی خاص می شوند ولی بعد از مدتی حقیقت را یافته و از کفر و نفاق به ایمان باز میگردند.**

ایکه برای مومنین نازل شده در سوره های دیگر نیز از مومنین یاد شده است. در سوره مومنون خداوند مشخصات یک فرد مومن و گروه مومنین را بشرح زیر بیان میکند.

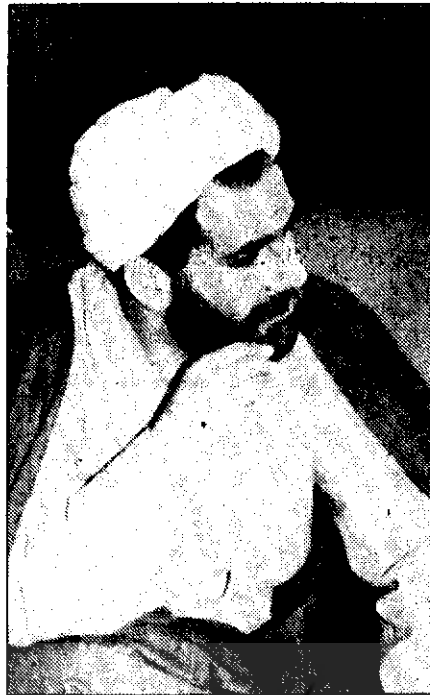
«الذین هم فی صلاتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون والذین هم لفرؤهم خافظون»

«مومنین کسانی هستند که نه تنها اهل عبادت و اهل نمازند بلکه در نمازشان حالت خشوع در پیشگاه خداوند دارند و از یاوه گویی و لغو گفتن احتراز میورزند حقوق مردم را ادا میکنند. زکات میدهند و عفت خودشان را نیز حفظ میکنند.»

همچنین براساس آیات بعدی دو مشخصه دیگری که قرآن برای مومنین بیان میکند اینست که اینها اگر پیمانی ببندند بدان عمل میکنند مقید هستند که وقتهای نماز را رعایت کنند. ضمناً در قرآن مومنین دارای درجات مختلف هستند و خداوند در این آیه خطاب به مومنین میفرماید: «یا ایها الذین امنوا امنوا بالله» «ای کسانی که ایمان آورده اید. به خدا ایمان بیاورید و به ایمانتان عمق بدهید.»

*** مصداقهای عینی سه گروه کفار، مشرکین و منافقین در جامعه چه کسانی هستند؟**

مصداق عینی کفر مادیون هستند که **جهاد**



متشکل از حزب توده، جریکهای فدائی خلق (اکثریت اقلیت) و گروهک پیکار میباشد. البته گروه پیکار از مرتدین هستند که در ابتدا ایمان آوردند و بعد کافر شدند.

مصداق منافق، گروه منافقین خلق است که بظاهر دم از اسلام و قرآن و رسول الله میزند ولی در باطن دارای ایدئولوژی التقاطی هستند که با کسی دقت میتوان دریافت که کاملاً ملهم از مارکسیسم و مارکسیستها میباشد.

منافقین حتی در برخوردهای سیاسی نیز چهره منافقانه خود را آشکار میسازند. مثلاً هواداران بیچاره را با شعارهای ضد امپریالیستی و تند جذب میکنند و اما در عین حال خود جزء مزدوران و آلت دست امپریالیست هستند.

همچنین گروه جنبش مسلمانان مبارز به نظر من اینها دست کمی از منافقین نخواهند داشت. البته تعبیر منافق شاید به آن معنی به اینها اتلاق

*** در گذشته دولت اسلامی بواسطه ندانم کاری سیاستمداران و برخورد های سازشکارانه به این گروهها پروبال میداد ولی اکنون برخورد بهتری با گروهکها صورت میگیرد.**

نشود ولی در دراز مدت بقول معروف مصداقی از آن خواهند بود. این گروه و گردانندگانشان به ولایت فقیه و اطاعت از او اعتقادی ندارند و در مقابل تحلیل های خود را اصل میدانند. اگر حرکت

و تحلیل های ولی فقیه با تحلیل های آنها تطبیق داشت از امام رولای فقیه و انقلاب تجلیل میکنند و زنده یاد امام میگویند. در غیر اینصورت تحلیل خودشان مقدم خواهد بود. آنها در زمین مسائل سیاسی و اقتصادی نیز دقیقاً تحلیل خود را معیار قرار میدهند و با آن دیگری را میسنجند آن در مسائل اقتصادی ابواب فقهی و مضارب و مساقات و مزارعه را قبول ندارند و به تحلیل های اقتصادی مادی خود تکیه میکنند. بطور کلی و بدلائل فوق و بسیاری دلائل دیگر این گروه را که تظاهر به اسلام میکند و در باطن او از اسلام خبری نیست میتوان مصداقی از نفاق دانست.

*** شیوه برخورد اسلام با کفار چگونه است؟**

ج - در رابطه با کفار ما دو نوع کافر در جامعه اسلامی داریم.

۱- کافر «ذمی». اینها کسانی هستند که مقررات و قوانین و مصوبات اجتماعی حکومت اسلامی را قبول کرده و بدان عمل مینمایند.

این گروه در عین حال که از نظر اجتماعی مقررات اسلامی را می پذیرد از نظر احکام، احکام دین خود را عمل میکنند. کافر «ذمی» در بنه و ذمه اسلام زندگی کرده و مال و جان و حیثیتش باید مثل سایر مسلمانها حفظ و نگهداری شود. ضمناً این افراد چون به دادن خمس و زکات معتقد نیستند بجای آن جزیه میپردازند.

۲- کافر «حربی» اینها کسانی هستند که در جامعه اسلامی زندگی میکنند اما به قوانین اسلام و حکومت اسلامی پایبند نیستند و علاوه بر آن در مقابل حکومت نیز قرار میگیرند. کافر «حربی» از نظر حکومت اسلامی محارب با خدا شناخته شده و حکومت اسلامی نیز بر اساس آیه محاربه ای که در قرآن هست به جنگ آنها قرآن در این رابطه میفرماید: «با آنان (کفار) همانگونه که نسبت به شما تعدی و تجاوز میکنند شما هم عمل به مثل انجام دهید و با آنها بجنگید». مصداق عینی ایندو گروه در جامعه ما بدینترتیب است که جریکهای فدائی اقلیت و پیکار جزء کفار «حربی» هستند و جریکهای فدائی اکثریت و حزب توده کافر «ذمی» میباشند.

*** شیوه برخورد اسلام با منافقین بچه صورت میباشد؟**

برخورد اسلام با این گروه بهمان شکلی است که امیر المومنین علی (ع) برخورد کرد یعنی ابتدا باید آنها را نصیحت کرد و بعد از آن اگر اثری نداشت و دل مقابل حکومت ایستادند باید بقیه در صفحه ۶۲

جبهه کفر و نفاق و...

حقارت و ضعفهای نفسانی خود به آن موضع کشیده شدند.

دسته دیگر افرادی هستند که بدلیل عملکردهای غلط مدعیان ایمان به انحراف و کفر کشیده میشوند. هم اکنون در جامعه ما بعضی از جوانهایی که منحرف شده‌اند از خانواده‌های مذهبی و متدین میباشند. اما در بررسی ریشه‌های انحراف فرزند به آنجا میرسیم که پدر ادعای اسلام و ایمان مینموده ولی رفتاری اسلامی در روابط مختلف نداشته است.

و اما حرکت از کفر و نفاق به ایمان نیز دارای علل مختلف است. از جمله افرادی که بخاطر قهرمان دوستی و تبلیغات جذب گروهی خاص میشوند ولی بعد از مدتی حقیقت را یافته و جذب شعارهای تند و ظاهری آنان نمیشوند و از کفر و نفاق به ایمان باز میگردند. همچنین در بسیاری از موارد که افراد کافر و منافق بخود میاندیشند و از پوچی خویش حرکاتشان رنج میبرند به ایمان باز میگردند.

هم اکنون بسیاری از منافقین که در زندان از لحاظ اعتقادی و اجتماعی به پوچی خود پی برده‌اند از مسئولین تقاضا میکنند که بگذارید ما با مطبوعات تماس بگیریم و یا ستونی از مطبوعات را به ما اختصاص دهید تا دردهای درونی خود را برای مردم بازگو کنیم.

این افراد بدلیل قرار گرفتن در شرائطی آزاد و مطالعات بیشتر اعم از کتاب و مطبوعات و شنیدن تحلیلهای گوناگون از قضایا از رادیو تلویزیون و کانالهای گوناگون از گذشته غمبار خود تاسف میخورند و در نتیجه از کفر و نفاق به ایمان باز میگردند.

والسلام

که اکنون از منافقین تحمل میکنیم ناشی از آن برخورد‌های غلط است.

بهرحال اکنون حکومت و مسئولین و دادگاهها مقداری برخورد صحیح تری با منافقین و سایر گروهها دارند و به اسلام نزدیکتر است.

* حرکت از ایمان به کفر چگونه است؟

ج - بطور کلی این جریان یک یا دو علت خاص نداشته و دارای علل متفاوت میباشد. مثلاً کسی که بعد از مدتی ایمان خود را از دست میدهد و مرتد میشود ممکن است در اثر سطحی بودن ایمانش باشد و با اینکه ایمان تقلیدی از پدر و مادر مسلمانش دریافت کرده باشد، اینها یک سری طاعات و عبادات ظاهری دیده‌اند و به همان مقدار اکتفا کرده و در صدد عمق دادن به ایمانشان برنیامده‌اند.

این قبیل افراد بدلیل بی محتوانی و ظاهری بودن ایمانشان به محض اینکه در شرائط و جوی دیگر قرار میگیرند تحت تاثیر تبلیغات و ایسهای مختلف قرار گرفته و ایمان خود را از دست میدهند.

گروه‌هایی دیگر بخاطر نفع مادی و پست و مقام و ضعفها و خصلتهای زشت فردی گاهی از ایمان به کفر میروند که نمونه‌های فراوانی از آنها در تاریخ اسلام بچشم میخورد. همچنین در جریان انقلاب اسلامی نیز افرادی بودند که تا امروز در جرگه انقلابیون و مبارزین و زندان رفته‌ها بودند ولی بعد از پیروزی انقلاب، در مقابل امام و حکومت ایستادند. اگر این مسائل را ریشه یابی نمایم بسیاری از آنها بدلیل عقده‌های

به مقابله و سرکوب آنان پرداخت.

در این رابطه قرآن میفرماید «و اذا قیل لهم تعالوا یتستغفروا لکم رسول الله لو ااروسهم»

«از آنها دعوت میشود که بیایید متنبه شوید، پیغمبر برای شما از خدا طلب مغفرت میکند. ولی آنها روهایشان را از پیغمبر بر میگردداند»

در مرحله‌ای که حکومت اسلامی در مقابل منافقین قرار میگیرد برخورد با آنها باید بسیار سخت تر از برخورد با کفار باشد زیرا منافقین با ظاهر اسلامی و حرکات منافقانه خطرناکتر از کفار هستند.

پیغمبر و علی (ع) نیز در مقابله با منافقین شدت عمل نشان میدادند که موبه‌های آن خراب کردن مسجد ضرار و برخورد سخت و بی امان علی (ع) با آنان میباشند.

* آیا تاکنون برخورد مناسب و اسلامی با این سه گروه صورت گرفته است یا نه؟

ج - بعد از پیروزی انقلاب بگونه‌ای که باید با این گروهها برخورد صحیح و اسلامی صورت نگرفت. البته این از یک جهت بدلیل مصالح و مسائل انقلاب بوده است و از طرف دیگر بدلیل ندانم کاری سیاستمدارانی که برخورد‌های سازشکارانه داشتند و مماشاتهای دولت موقت کار را بجائی رساند که نه تنها با آنان برخوردی صورت نگرفت بلکه به منافقین و کفار پروبال داده شد و از طریق رادیو و تلویزیون و مناظره به آنها رسمیت و مشروعیت میدادیم. این حرکات و برخورد‌های نامناسب سبب نضج گرفتن آنان شد و من فکر میکنم ضرباتی

اردوها روح خود سازی... گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ها بعلت محدود بودن تعداد افراد و نداشتن گروه سیار جهت سرکنشی بمناطق اکثر تماسها غیر مستقیم و با تلفن بود و فعال بودن یا عدم برگزاری اردو بستگی به اعضای جهاد آن منطقه داشت. بدین ترتیب کمیوها تا حد امکان برطرف میشد و همچنین با مناطقی که برگزاری اردو در آنجا ممکن نبود مانند استانهای کرمانشاه، ایلام، خوزستان و بلوچستان دانش آموزان آن مناطق به تهران و شهرستانهای اطراف اعزام شدند.

بعلت کمیود مری و نیروهای هماهنگ کننده در تهران و شهرستانها از طرف ستاد هماهنگی، اردونی مرکب از ۳۰ نفر از برادران دیپلمه و

بعداز تصویب این طرح جهت آشنائی برادران جهادسازندگی پاردو و نحوه برخورد با دانش آموزان اردوی دوروزه ای درمنظر به از اعضای کمیته های فرهنگی جهاد شهرستانها تشکیل شد و بعداز آن به شهرستانهای خود بازگشتند و بعضی استانها جهت تامین امکانات لازم به تهران نیرو فرستادند. قبل از تشکیل اردوها با مراکز و نهادها و ارگانهائی جهت برقراری اردوها مذاکره شد و سرانجام دو نوع پرسشنامه تهیه و تکثیر شد و در اکثر نهادها توزیع شد. یک پرسشنامه جهت مریبان اردوها و دیگری برای دانش آموزان که توسط آموزش و پرورش درنواحی مختلف تکثیر شد. در اجرای این برنامه